

هفت جهان

وداع با بختیار خدای نظرف

فیلم‌ساز مطرح تاجیک درگذشت



● **بختیار** خدای نظرف، فیلم‌ساز سرشناس تاجیک روز سه‌شنبه ۲۱ آوریل در پی بیماری‌ای طولانی در ۴۹سالگی در آلمان درگذشت. به گزارش بی‌بی‌سی، یک‌روز پس از درگذشت او، اهالی فرهنگ و هنر تاجیکستان با برگزاری مراسمی در تالار «تاجیک‌فیلم» در شهر دوشنبه، پایتخت این کشور، خاطره این کارگردان را گرامی داشتند. خدای‌نظرف در سال ۱۹۹۳ برای کارگردانی فیلم «قاش‌به‌قاش» از جشنواره فیلم ونیز جایزه شیر نقره‌ای را به‌دست آورد. در این همایش که به ابتکار شرکت «تاجیک فیلم» و اتحادیه سینماگران تاجیکستان برگزار شد، هنرپیشگان سینما و تئاتر، شعرا و نویسندگان، خوانندگان و نقاشان برجسته تاجیکستان و دوستداران سینمای تاجیک شرکت داشتند.

در آغاز این همایش، عکس‌هایی از زندگی و جریان ساختن فیلم‌ها توسط خدای‌نظرف به نمایش گذاشته شد. صفر حقداد، رئیس اتحادیه سینماگران تاجیکستان، درگذشت او را ضایعه بزرگی برای سینمای تاجیک خواند. حقداد درباره نقش بختیار خدای‌نظرف در سینمای تاجیکستان گفت: هر فردی در سینما نقش معینی دارد، ولی هستند آدمان انگشت‌شماری که به معنای کامل تعیین‌کننده یا معرفی‌کننده سینمای ملی ما بودند. در کنار بزرگانی چون کامل یارمف، بوریس کیمیاگراف و چند نفر دیگر که تعیین‌کننده رسالت سینما، جریان‌ها و مکتب‌های آن محسوب می‌شوند، نام بختیار خدای‌نظرف هم برای همیشه زنده و جاوید خواهد ماند.

وی با اشاره به استعداد فوق‌العاده بختیار خدای‌نظرف گفت که او در پی نخستین فیلمش که در سال ۱۹۹۱ به نام «برادر» در مسکو روی پرده آمد، در میان دوستداران سینما محبوبیت گسترده‌ای پیدا کرد. بختیار خدای‌نظرف زمانی وارد عرصه هنر سینما شد که تاجیکستان مثل جماهیر دیگر شوروی تحولات بزرگی را در همه عرصه‌ها، از جمله در هنر سینما، تجربه می‌کرد. سیاست پرسترویکا که میخائیل گورباچف، رهبر وقت شوروی در پیش گرفته بود، عرصه را برای روی‌کارآمدن استعدادهای جوان هموار کرد. در آن زمان با توجه به پاک‌فتن جنبش‌های هویت‌خواهی و استقلال‌طلبی فرهنگیان تاجیک، ازجمله سینماگران، تلاش می‌کردند جهان را طور دیگری ببینند و در آثار خود به بازتاب زندگی سنت و آیین‌های ملی می‌پرداختند. در سینما و ادبیات آن دوران، انتقادهایی به نظام شوروی و سلطه حزب کمونیست، به‌ویژه در مورد از میان بردن فرهنگ‌های قومی و محلی، مطرح می‌شد.

آن زمان بود که دولت خدای‌نظرف، فیلم‌ساز معروف تاجیک، در شهر دوشنبه یک مکتب سینما تأسیس کرد. برخی بختیار خدای‌نظرف را از نخستین شاگردان مکتب دولت خدای‌نظرف می‌دانند. در ضمن، هرچند نام خانوادگی این دو فیلم‌ساز معروف به هم شبیه است، ولی آنها با هم روابط خویشاوندی ندارند.

بختیار خدای‌نظرف، ۲۹ می سال ۱۹۵۶ در شهر دوشنبه متولد شد. او نخستین سینمایی خود، «برادر» (۱۹۹۱) را هنگامی ساخت که هنوز دانشجوی رشته کارگردانی در دانشکده سینمای گراسیمف در مسکو بود. این فیلم بیش از ۲۰ جایزه به‌دست آورده است.

این فیلم درباره زندگی مردم در آسیای میانه، یکی از واپس‌مانده‌ترین بخش‌های قلمرو شوروی سابق بود که با استقبال گسترده‌ای روبه‌رو شد. پس از این، فیلم دوم خدای‌نظرف به نام «قاش به قاش» (ابرو به ابرو) در شهر دوشنبه ساخته شد که فیلم‌نامه آن را خود او نوشته بود.

یکی از معروف‌ترین فیلم‌هایی‌که بختیار خدای‌نظرف ساخت، فیلم «پدر مهابتایی» (Luna Papa) بود که در سال ۱۹۹۹ روی پرده سینما آمد. این فیلم تولید مشترک روسیه، آلمان، سوئیس، اتریش و تاجیکستان است که جایزه اصلی جشنواره فیلم «کینوتاور» را در روسیه به‌دست آورد.

از فیلم‌های دیگر بختیار خدای‌نظرف که با استقبال دوستداران سینما روبه‌رو شد، فیلمی به نام «شبیک» بود که در سینمای اثری از نویسنده آمریکایی ری بردبری (Ray Douglas Bradbury) ساخته شده است.

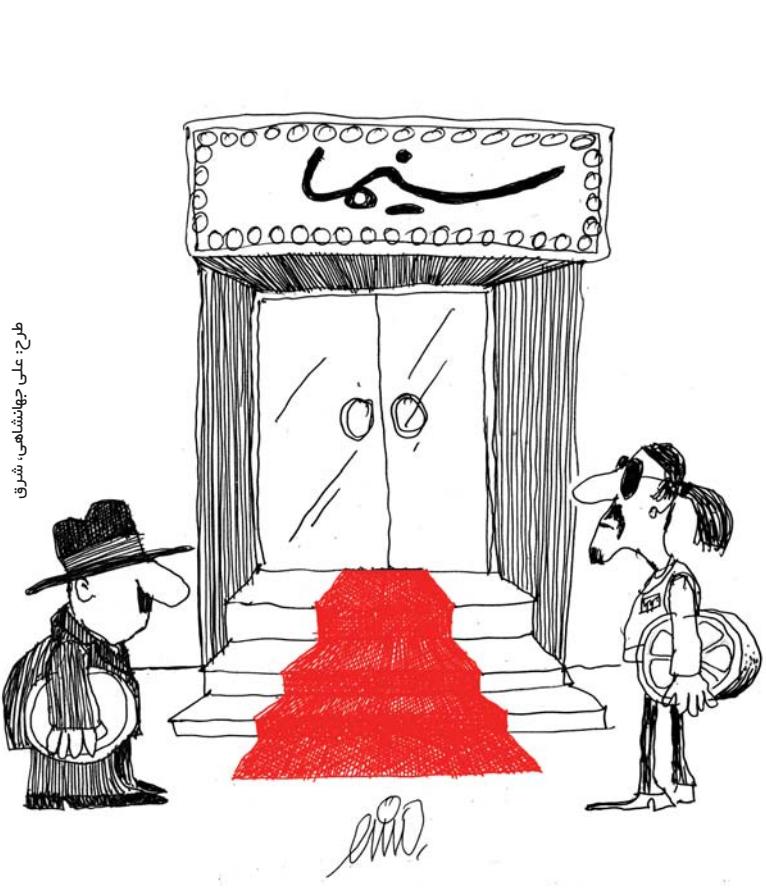
بختیار خدای‌نظرف در زمان جنگ داخلی تاجیکستان، این کشور را ترک کرد و به روسیه رفت. وی طی سال‌های اخیر غالباً در مسکو و برلین زندگی می‌کرد و در کنار تولید فیلم به ساختن سریال‌هایی نیز مشغول بود. اکنون‌که منابع نزدیک به خانواده بختیار خدای‌نظرف می‌گویند، جنازه او در آلمان به خاک سپرده خواهد شد.

زندگی و آثار: فرانت آرتا: گروه تازه‌تأسیس «هنر و تجربه»، سوژه مناظره داغ امیرحسین علم‌الهدی، دبیر شورای سیاست‌گذاری و مدیر اجرایی این گروه و محمدحسین فرحبخش، تهیه‌کننده، کارگردان و یکی از مالکان سینما «عصر جدید» بود.. این مناظره که سوم اردیبهشت در شبکه خبر برپا شد، بیشتر شبیه صحنه جنگ بود تا محلی برای ارائه راهکار. فرحبخش در قامت مخالف این گروه، در صحبت‌هایش ارجاعی به سینمای قبل از انقلاب داشت و گفت: «در فضای فیلم‌های معلوم‌الحال قبل از انقلاب «هنر و تجربه» معنای خود را پیدا می‌کرد؛ مثلاً فیلم‌هایی مثل «سوته‌دلان» علی حاتمی و «نفرین» ناصر تقوایی را در سالن کاپری سابق (بهمن فعلی) اکران کردند. دولت هم ریالی به آنها کمک نمی‌کرد و بیشتر این نوع فیلم را بخش خصوصی می‌ساخت. گذشته از اینها، فیلم‌ها در آن زمان استاندارد بود. فیلمی مثل «گاؤ» قبل از انقلاب قطعاً در زمره «هنر و تجربه» به حساب می‌آید چون سینمای آن زمان، جایگاهی برای آن فیلم نداشت. یا فیلم «سفر سنگ» در دو سینما اکران شد. از نظر من، سینمای بعد از انقلاب، همه‌اش هنر و تجربه به حساب می‌آید. حتی سینمای تجاری یا مخاطب عام ما نیز اکثراً هنر و تجربه‌اند و ربطی به سینمای عام دنیا ندارند.

اما حالا آمده‌ایم و بر کسان‌ی که در خانه‌شان فیلم ساخته‌اند و مستند تهیه کرده‌اند، آن‌هم با پولی اندک و فقیرانه، اسم هنر و تجربه گذاشته‌ایم. من مخالف فیلم‌سازی نیستم. هر کس‌ی مجاز است هر چه بسازد به شرطی که پروانه ساخت و قابلیت اکران داشته باشد، چون اگر این قابلیت را نداشته باشد می‌شود مثل وضعیت الان هنر و تجربه که جز فیلم «ماهی و گربه» و «پرویز»، هیچ‌کدام از دیگر فیلم‌ها مخاطب نداشته‌اند. هنر و تجربه جایگاه سینمای خصوصی را هم در اکران نابود کرده است». علم‌الهدی نیز در پاسخ به صحبت‌های فرحبخش در واکنش به ارجاعات فرحبخش به سینمای قبل از انقلاب گفت: «جریان سینمای قبل از انقلاب با بعد از آن تفاوت ماهوی دارد و نمی‌توان آنها را قیاس کرد. سینمایی که هنر و تجربه به‌دنبال آن است سینمایی است که می‌خواهد با جنس اندیشه، به معنای خلاقیت و نوآوری بر پرده سینماها، آن‌هم به‌صورت خیلی محدود، به نمایش دربیاید. هرچه جلوتر می‌رویم عده‌ای دوست ندارند جریان‌ی سالم که با مخاطب درگیر است شکل بگیرد و اگر برنامه‌های مشابه آن با شکست مواجه شدند به خاطر همین عدم اهتمام کلیت سینما بود که دوست نداشت این نوع سینما شکل خود را پیدا کند». در جریان مناظره طرفین دلایل خود را بیان کردند. اما در پایان هیچ کدام

«شرق» در گفت‌وگو با الوند، سرتیپی و کوثری بررسی کرد

«هنر و تجربه» سینما را نابود می‌کند



استدلال دیگری را قبول نکرد. در پایان هم مدیر گروه هنر و تجربه خطاب به تهیه‌کننده بخش خصوصی او را به «جریان بساز و بفروش سینما» وصل و فرحبخش هم خطاب به علم‌الهدی خط‌مشی او را «شارلاتانیزم» عنوان کرد!

با همه این کشمکش‌ها، این سؤال همواره مطرح است که آیا گروه «هنر و تجربه» باعث نابودی سینمای حرفه‌ای می‌شود؟ در چرخه معیوب توزیع و پخش در سینمای ایران بالاخره تکلیف فیلم‌هایی که نه کاملاً متعلق به بخش دولتی و نه صد‌صد متعلق به بخش خصوصی‌اند، چیست؟ اصلاً تکلیف ایده‌های نو، سینمای آوانگارد و پیشرو و فیلم‌های نوجوانانه چه می‌شود؟ با اقتصاد معیوب، سالن‌های محدود، رقبایی مثل ماهواره، کج خلقی‌های تلویزیون با سینما و… چگونه می‌توان آینده روشنی برای سینمای ایران رقم زد؟

الوند: چه اشکالی دارد؟

سیروس الوند، کارگردان و تهیه‌کننده سینما درباره دعواها و اختلافات به وجودآمده پیرامون

«شرق» در گفت‌وگو با الوند، سرتیپی و کوثری بررسی کرد



گروه «هنر و تجربه» به «شرق» گفت: به نظر بیشتر دعواها سر این است که سانس‌های سالن‌های خوبی مثل «آزادی» و «فرهنگ» را به فیلم‌های این گروه اختصاص می‌دهند. درحالی‌که به‌راحتی می‌توان برای این مسئله راهکار عملی درنظر گرفت.» او

سپس نظر خود را درباره این گروه سینمایی گفت: «چه اشکالی وجود دارد چنین گروه سینمایی وجود داشته باشد؟ بالاخره فیلم‌هایی ساخته شده‌اند که قابل‌توجه‌اند و تاکنون امکان نمایش پیدا نکرده‌اند. سینمای ما به این نوع فیلم‌ها نیاز دارد، چون در سینمای حرفه‌ای خیلی امکان تجربه‌کردن وجود ندارد. بنابراین ساخت چنین فیلم‌هایی برای رشد و بالندگی سینمای ایران خوب و بهتر است چنین فیلم‌هایی به نمایش درآیند. در کل معتقدم محاسن این گروه بیشتر از معایب آن است.»

اکران محدود

اما در این مسیر علی سرتیپی (تهیه‌کننده و پخش‌کننده سینما) نظر دیگری دارد. او به «شرق» گفت: «با توجه به فضای کم‌نمایشی که داریم،

«شرق» در گفت‌وگو با الوند، سرتیپی و کوثری بررسی کرد

معتقد نیستم این سینماها دراختیار فیلم‌های گروه «هنر و تجربه» قرار بگیرد. چون به‌طور کلی ما در سینمای ایران تعداد محدودی سالن سینما داریم که برای نمایش فیلم‌های حرفه‌ای درآن جنگ و دعواست. از سوی دیگر به نظر می‌رسد فیلم‌های متعلق به این گروه بیشتر محصولات دولتی‌اند تا متعلق به بخش خصوصی و مستقل. حمایت دولتی همواره پشت آنهاست که بیشتر سینمای گلخانه‌ای‌اند و کمتر فیلمی درآن می‌توان یافت که متعلق به بخش خصوصی باشد و بتواند با مردم ارتباط برقرار کند. به همین دلیل با توجه به شرایط فعلی، کم‌بودن تعداد سالن‌های سینما و بودجه اندک سینما- که اگر هم پولی وجود دارد بهتر است صرف سالن‌سازی و بهره‌وری سالن‌های سینما شود - مخالف چنین گروهی هستم. از سوی دیگر اگر کلیه امور در سینمای‌مان توسعه‌یافته بود و فضاهای کافی داشتیم، می‌توانستیم به این نوع فیلم‌ها اختصاص دهیم. ولی درحال حاضر این گروه فشاری روی سینمای حرفه‌ای می‌آورد و باری روی دوش سینمای حرفه‌ای می‌گذارد. البته می‌دانم فیلم‌های زیادی روی دست مانده که اکران نشده‌اند و میراث قبل است که باید اکران شوند.»

تهیه‌کننده فیلم «شهر موش‌ها ۲» ادامه داد: «باین‌حال موافق اکران محدود این نوع فیلم‌ها هستم. می‌دانم فیلم‌هایی مثل «ماهی و گربه» و «پرویز» از جمله فیلم‌های قابل‌تأمل این گروه بودند، اما این فیلم‌ها این پتانسیل را داشتند که در چرخه سینمای حرفه‌ای قرار بگیرند و حتی فروش خوبی داشته باشند. اما اگر سینماهای مهمی مثل آزادی یا فرهنگ را به آنها اختصاص ندهیم که هر سانس آن در فروش فیلم‌ها تعیین‌کننده هستند، بهتر است. اما اگر این نمایش‌ها در سینما کوروش صورت بگیرد، مناسب است و چقدر خوب است چنین پردیس‌هایی را به چنین فیلم‌هایی اختصاص دهیم.»

روزنه‌ای فرهنگی و نه اقتصادی

چنانگیر کوثری، تهیه‌کننده سینما نیز در گفت‌وگو با «شرق» درباره این گروه گفت: «این گروه سینمایی بیشتر شبیه روزنه‌ای است. اما نمی‌توان از نظر اقتصادی بدان وابسته بود. به نظر نمایش فیلم‌های مستند که کمتر جایی برای اکران آنها وجود دارد یا فیلم‌هایی که به محاق توقیف رفته‌اند و زمان اکران مناسب را در دست داده‌اند، می‌تواند در این گروه باشد. به‌طورمثال فیلم «یک شب من مدت ۱۰سال توقیف بود و بالاخره در این گروه به نمایش درآمد که از این نظر خوب بود. ولی بازده اقتصادی و بازگشت سرمایه نداشت. به‌رحال بودنش بهتر از نبودنش است.»

روزنه‌ای فرهنگی و نه اقتصادی

پخش شد و به دنبال آن پیروز حناچی، معاون شهرسازی و معماری وزارت راه و شهرسازی، به بیان خاطراتی از زنده‌یاد میرمیران پرداخت و به تپه‌های عباس‌آباد به‌عنوان یکی از یادکاری‌های او برای شهر تهران اشاره کرد.

داراب دیپا نیز در ابتدا از اینکه عباس کیارستمی ایران را با این نگاه عارفانه به تصویر می‌کشد، تشکر کرد و در مورد این دوره جایزه میرمیران گفت: «این‌بار هم مانند دوره‌های گذشته شخصیت‌های ممتازی در هیات داورى حضور داشتند فریار جواهریان، علی‌اکبر صارمی، شهاب کاتوزیان، علیرضا قهاری و عباس کیارستمی که همیشه به ما لطف داشته‌اند و با نگاه ویژه خود کار‌ها را تحلیل کرده‌اند. آثار این دوره از جایزه باید حاوی محتوا می‌بودند و اصالت طرح یکی دیگر از نکات مهم در این جایزه بود. توجه به ارزش‌های جهانی با حفظ ارزش‌های ایرانی - اسلامی و قدرت بیان و ارزش‌های زیباشناختی، نگاه به شهر، شهروند و… از دیگر فاکتورهای مهم در این جایزه بود.»

در پایان هم با حضور اعضای هیات داوران طرح ویژه، طرح مشترکی از محبوبه خرم‌آبادی، طیبه فدائیان و ساره خلیفه معرفی شد. در این بخش طرح مشترک معین، مهدی و نسرن مرادی، طرح مشترک محمدهادی گلستانی و ریحانه رشیدفرخی، طرح مشترک محسن نورپور، جلال قربان‌پور و علیرضا یزیدی‌نژاد، طرح مشترک وحید قادری، مهسا الهی‌وفا، فاطمه ساداتلطیفان و فریا فیروزبیکدلی، طرح مشترک احسان طالبیان و پرسا هودشاهی و طرح‌های سروناز سمرکن، حبیب حواسی‌زاده، مهسا شیرعلی، محمد رفاهی رحمت‌طلب و میترا قاسمی تقدیر شدند.

همچنین طرح مشترک علی دبیریان و امیرنصر فولادخواه با کسب یک‌ونیم میلیون تومان رتبه سوم، طرح مشترک مرجان فرزبان و لیلیا میناسیان با کسب سه میلیون تومان رتبه دوم و طرح مشترک علی طباطبایی، مارال هاشمیان، دلارام کوهستانی و صبا مهدی با کسب شش میلیون تومان رتبه اول را کسب کردند. به منتخبان و برندگان نیز از طرف «مجله A2» هدایایی تعلق گرفت.

رسید، از دیگر کارهای این نویسنده مطرح بودند. آبرامز در سال ۲۰۱۴ مدال هنرهای ملی آمریکا را از «یاباک اوباما» دریافت کرد. او با بورسیه وارد دانشگاه «هاروارد» و بعدها موفق به کسب بورسیه از دانشگاه کمبریج شد. آبرامز در کالج کورنول تدریس می‌کرد و از جمله شاگردانش می‌توان به «توماس پینچون»، رمان‌نویس و «هرولد بلوم»، منتقد معروف، اشاره کرد.

در آن به آثار بایرون، کی‌تس و دیگر شاعران دوره رمانتیک اشاره شده و اثری ارزشمند در حوزه نقد ادبی به حساب می‌آید. این کتاب رتبه بیست‌ونیم را در فهرست مهم‌ترین کتاب‌های غیرداستانی انگلیسی‌زبان قرن بیستم از سوی کتابخانه مدرن داشت. «شیر و بهشت» و مجموعه‌مقالات «بُعد چهارم شعر» که در صدمین سالگرد تولدش به چاپ

نویسنده، منتقد و مدرسی که یکی از مهم‌ترین آثار نقد ادبی قرن بیستم را به نگارش درآورد، درگذشت. به گزارش ایسنا، ام. اچ. آبرامز یا میر هوارد آبرامز، منتقد و نویسنده آمریکایی که کار نگارش اتنولوژی کتاب «نورتون» را برعهده داشت، در سن ۱۰۲سالگی از دنیا رفت. نورتون، جامع‌ترین کتاب در زمینه تاریخ ادبیات انگلیسی و از منابع مهم

نویسنده کتاب «نور تون» درگذشت

نویسنده، منتقد و مدرسی که یکی از مهم‌ترین آثار نقد ادبی قرن بیستم را به نگارش درآورد، درگذشت. به گزارش ایسنا، ام. اچ. آبرامز یا میر هوارد آبرامز، منتقد و نویسنده آمریکایی که کار نگارش اتنولوژی کتاب «نورتون» را برعهده داشت، در سن ۱۰۲سالگی از دنیا رفت. نورتون، جامع‌ترین کتاب در زمینه تاریخ ادبیات انگلیسی و از منابع مهم

خبر سازان

«درحاشیه»

همچنان در مرکز حاشیه

● **شرق:** قسمت آخر از فصل اول سریال «در حاشیه» در حالی شامگاه پنجشنبه به‌پایان رسید که این سریال همچنان در مرکز حاشیه قرار دارد. شامگاه پنجشنبه، سوم اردیبهشت، لحظاتی پس از پخش آخرین قسمت سریال، مهران مدیری بر صفحه تلویزیون ظاهر شد و با اشاره به حمایت تماشاگران از این سریال، گفت: مردم و بینندگان عزیز، همیشه از مجموعه‌های قبلی حمایت کرده‌اید و از این مجموعه نیز استقبال و پشتیبانی کردید. استقبال شما از این سریال بیشتر از سریال‌های گذشته بود و من بسیار از این مسئله خرسندم و از شما تشکر می‌کنم. این کارگردان با اشاره به اینکه فصل اول سریال با پخش قسمت سی‌ام به‌پایان می‌رسد، گفت: از ابتدا نیز قرار بود این سریال در سه فصل و هر فصل ۳۰ قسمت ساخته و پخش شود و پخش فصل اول، هم‌اکنون تمام شد. قرار است دو فصل ۲۰ قسمتی دیگر ساخته شود و بعد از هماهنگی با مدیران صداوسیما و ساخت ۳۰ قسمت دوم، پخش آن آغاز می‌شود؛ اما زمان پخش فصل دوم هنوز مشخص نیست. اما روز جمعه تهیه‌کننده این مجموعه تلویزیونی شایعه پرداخت هزینه ساخت سریال از سوی وزیر بهداشت برای پخش‌نشدن آن را تکذیب کرد. «حمیدرضا مهدوی» در گفت‌وگو با فارس در این‌باره گفت: «این مطلب به هیچ‌وجه صحت ندارد و بنده آن را تکذیب می‌کنم. یکی از رسانه‌ها در مصاحبه‌ای که با آقای خشایار الوند از نویسندگان سریال داشته، شیطنت کرده و این جمله را به نقل از او گفته است. نه در شان ریاست محترم رسانه ملی و نه در شان وزیر محترم بهداشت است که چنین نقل‌قول‌هایی به ایشان نسبت داده شود. خوشبختانه در حال حاضر تعامل خوبی وجود دارد و امیدوارم این تعامل در فازهای بعدی هم به‌خوبی ادامه پیدا کند».واکنش رئیس سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره کشور به اعتراض پزشکان و وکلا همه جالب بود. عباس علی الهیاری در گفت‌وگو با ایرنا، واکنش و همه پزشکان و وکلا به این سریال را قابل تحلیل و بررسی دانست و گفت: اگر فرد در شرایط ثبات و آرامش روحی و روانی کامل باشد، نباید حتی با تندترین انتقادها واکنشی این چنینی نشان دهد. او پزشکان و وکلا را بخش نخبه‌ای از جامعه عنوان کرد و افزود: انتظار از این بخش از جامعه این است که بردبارتر رفتار کنند. رئیس سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره کشور خاطرنشان کرد: برای کشوری چون ایران شایسته نیست که دیگران، مردمش را مردمانی با آستان‌های پایین ببینند، ضمن اینکه می‌توان با انجام پژوهشی ملی ریشه‌های اصلی را پیدا و آن را رفع کرد. نمی‌توان از جامعه‌ای که نخیکانش بردبار نیستند انتظار داشت مردم آن جامعه، صبور باشند. او البته در پاسخ به این پرسش که اگر سریال طزی در مورد جامعه روان‌شناسان، ساخته شود، واکنش شما چه خواهد بود؟ گفت: قطعاً از آن استقبال می‌کنم زیرا می‌دانم در جامعه روان‌شناسی، مردمش از خفلاتی انجام می‌گیرد و نقد می‌تواند سبب رفع آن شود.

زیر آسمان فیر وزم‌ای

درخواست جمعی از تشکل‌های دانشجویی ازوزیرارشد

فیلم‌های در محاق‌مانده را در دانشگاه‌ها نمایش دهید

● **شرق:** جمعی از تشکل‌های دانشجویی در نامه‌ای خطاب به وزیر ارشاد خواستار نمایش فیلم‌های در محاق‌مانده در دانشگاه‌ها شدند. متن نامه این تشکل‌های دانشجویی خطاب به علی جنتی به شرح زیر است: در محاق‌ماندن فیلم‌های سینمایی بسیاری بر برجسب‌های کونگون، خود، مظهر وثیقی از برت‌نابیدن دیدگاه‌های متفاوت و تخطئه دیگری است. انباشت فیلم‌های اکران‌نشده، نته‌تها ارتقای فرهنگی مدنظر مخالفان‌شان را فراهم نمی‌سازد، بلکه بیش‌ازپیش به فاصله‌گرفتن اقشار و سلاقی مختلف در جامعه اسلامی ما می‌انجامد و توسعه فرهنگی را با فرسایش مواجه می‌سازد. امتناع بخشی از جامعه برای اکران فیلم‌های جشنواره پیشین نظیر «عصبانی نیستم» (که به واکاوی بخشی از مشکلاتِ دانشجویان و تأثیر اقتصاد بر زیست این طبقه پرداخته است) و «قصه‌ها» (که معضلات مختلف اجتماعی ریزان را به تصویر کشیده است)، نیز، ادامه‌یافتن حُف و سانسور برخی از فیلم‌های شرکت‌کننده در جشنواره فجر اخیر، به علت فشارهای جانب‌دارانه گروهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایان‌گر آن است که هنوز پذیرش حضور «تپب»‌های فکری مختلف وجود ندارد. در راستای ترویج زمینه‌های وحدت در عین کثرتِ سلاقی، شاید بتوان اذعان داشت که بیشینه‌ساختن دامنهٔ تحصیل جامعه می‌بایست از نهادهای کوچک‌تر و پذیرنده‌تر، مانند دانشگاه آغاز شود.